مکاتیب تاریخی: یک نامه تاریخی از عباس میرزا نایب السلطنه

ریاحی، محمد امین

این نامهء مختصر که اصل آن بخط خود عباس میرزا در تصرّف نگارنده است در تاریخ صفر 1244 بابراهیم خلیل خان سردار1نوشته شده است.

ابراهیم خلیل خان از سرداران معروف عباس میرزا است که در جنگهای‏ روس و ایران فداکاریهای زیاد کرده و خاطره‏اش در دل وطن پرستان آذربایجان زنده‏ است.اعتماد السلطنه در جلد سوم از منتظم ناصری در باب او مینویسد که:«در سال‏ 1265 بصوابدید میرزا تقی خان امیر نظام ابراهیم خلیل خان را از دار الخلافه‏ باهره باردبیل کوچ دادند.»

این نامه بسیار خوانا و شیرین نوشته شده و در سمت راست بالای آن مهر نایب السلطنه:(عبده الرّاجی عباس)دیده میشود و آنرا بعدها مذهب کرده‏اند و در پشت‏ آن پس از ذکر تاریخ تحریر توضیح داده شده که این نامه«در هنگام مأمور کردن‏ ابراهیم خلیل بسمت وان»نوشته شده است.

این نامه هم از نظر تاریخی و هم از جنبه ادبی اهمیت دارد.اهمیت تاریخیش‏ این است که طرز تفکر و روش سیاست مردی را که در دورهء خود از رجال مهم این‏ (1)-این ابراهیم خان پسر اسمیل خان لک خوئی است و او را نباید با ابراهیم خلیل خان جوانشیر فراباغی والی داغستان که در 1221 در خارج قلعهء شوشی کشته شد اشتباه کرد.(یادگار)

کشور بوده تا اندازه‏ای نشان میدهد.اهمیتی هم که از نظر ادبی دارد بعلت سادگی آن‏ است زیرا در آن دوره که بیشتر نویسندگان پا بند تکلفات و صنایع بدیعی و عبارت‏ پردازی منشیانه بوده‏اند مانند استاد انشاء میرزا ابو القاسم قائم مقام بسبک ساده‏ و روان ادای مطلب کرده است و میتوان گفت همانگونه که تکلم می‏نموده اندیشهء خود را بروی کاغذ آورده است.

از مطالعهء این نامه و نامه‏هائی که بعنوان وصایای نایب السلطنه سابقا در نوبهار هفتگی چاپ شده است میتوان بطرز فکر و سبک نگارش این شاهزاده که شایسته‏ترین‏ افراد خاندان قاجار بود پی برد.

نامهای اما کنی که در این نامه آمده دهکده‏ها و شهرهائی است واقع در مناطق‏ مرزی ایران و ترکیه که بعضی مانند چهری و اواجق در قلمرو کشور ایران و بعضی‏ مانند آباقا و بکوی و وان در تصرف دولت ترکیه است.

متن نامهء عباس میرزا نایب ا لسلطنه‏ بابراهیم خلیل خان خان سردار

«مقرر آنکه ابراهیم خلیل خان باید روانه بشوی پیش پاشای وان و از قراری که‏ در کاغذ فرزندی بهرام میرزا نوشته‏ام و دستور العمل داده‏ام از آن قرار رفتار کنی. الحمد للّه تا بحال بهر خدمتی که مأمور شده‏ای خجالت نکشیده‏ای،از قبیل خدمت‏ چهری و الباق واکراد و قلعهء ایروان،در اینجا هم بلدی آنچه از پیر استاد یاد داری‏ باید بکار ببری و درست بگوئی و درست بکنی مزید اعتقاد تازه دربارهء تو بهم رسد. بسیار باید وقوف بکار ببری که راه حرف بدست روس نیفتد.بآن نزدیکی منزلت در اواجق باشد.نگاه و سرکشی بآنها بکنی و اگر در اردوی آنها هم بروی ببهانهء بمانی. اگر رفته باشند بآن طرفها از بایزید تجاوز مکن و اگر بلائی بسرشان آمده باشد تا آباقا و بکری و وان هم بر وی عیب ندارد.خلاصه از روی بصیرت کار کن و منظور و مقصود ما را بدان که از برای چه میروی؟زیاده مصرف ندارد خودت عاقلی.و السلام»